

معاون سیمادرم بازدید از استودیوی «دهکده آسیایی» از تلاش شبانه‌روزی همکاران شبکه‌های ورزش و سه برای انعکاس رویداد بزرگ قاره کهن قدردانی کرد. محسن برمهانی در این بازدیدگفت:از آغاز برگزاری رقابت‌های آسیایی هانگزوی چین که حدود یک ماه از آن می‌گذرد، همکارانم در شبکه ورزش با پامداد تا حوالی نیمه شب مشغول خدمت به مخاطبان ورزش دوست این شبکه بودند و در قالب برنامه «دهکده آسیایی»

بازدید معاون سیمادز استودیوی رقابت‌های آسیایی هانگزو

س‌های پلیسی را بررسی می‌کند

پلیس واقعی

داشته باشیم و برای طراحی داستان این سریال استفاده کنیم. با این حال چنین امکانی برای همه فراهم نیست و گروه سازنده معمولا در این زمینه با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند. وی در ادامه می‌افزاید: ساخت سریال‌های پلیسی هزینه‌های بیشتری نسبت به سایر سریال‌ها دارد. جابه‌جایی‌های زیادی دارد و با تعدد لوکیشن در این سریال‌ها روبه‌رو هستیم. همچنین به حضور هنرمندان بیشتری نیاز است. جلوه‌های ویژه و جلوه‌های رایانه‌ای هم که جزو بخش‌های مهم یک سریال پلیسی است و همچنین به خلاقیت‌ها و طراحی‌های صحنه ویژه‌ای نیاز دارد. معتقدم سریال پلیسی باید نگاه به آینده داشته باشد و لااقل چند قدم جلوتر از فن‌آوری و دانش و نرم‌افزار و سخت‌افزار رایج باشد. چیزی که ما در «هوش سیاه» تلاش کردیم انجام دادیم. مثلا صفحه نمایش بزرگ روی میز عملیات اتاق پلیس با حرکت دست (تاچ) کار می‌کرد. فناوری این محصولات چند سال بعد به بازار آمد و در برنامه‌های هواشناسی استفاده شد. آن زمان هم ما این اتفاق را

نش نویسنده داشتیم که با این‌که نویسندگان خوبی بودند اما کارشان مورد قبول ما قرار نگرفت. بنابراین با اضافه شدن آرش قادری و تلاش و خلاقیت‌های او متن درگگون شد و بی‌شک بخش قابل توجهی از موفقیت هوش سیاه به دلیل حضور آرش قادری بود. از این رو پرونده‌های واقعی می‌تواند کمک کند اما

عامل اصلی موفقیت یک اثر نیست. اصل کار، درام و پرداخت است. این تهیه‌کننده همچنین درباره چالش‌های ساخت سریال‌های پلیسی اکشن و همچنین معصایی و جذابیت آن برای مخاطب می‌گوید: به

به پوشش نوزدهمین دوره از رقابت‌های آسیایی پرداختند. معاون سیماتصریح کرد: در این دوره از رقابت‌های آسیایی، اتفاقات ویژه‌ای نظیر رکورد چشمگیر پوشش زنده رشته‌های مختلف در قالب مسابقات آسیایی، استفاده از ۴۱ گزارشگر در رشته‌های مختلف ورزشی، بهره‌گیری از فناوری استودیوی مجازی (VR) که برای نخستین بار در برنامه‌های ورزشی سیماد به کار گرفته شد، رقم خورد. وی گفت: خوشبختانه امسال

رشته‌های ورزشی مثل شطرنج، بازی‌های رایانه‌ای نیز پوشش داده شد و این رقابت‌ها برای نخستین بار با اطلاع‌رسانی لحظه‌ای و در استودیویی با دکور جذاب و چشم‌نواز تقدیم مخاطبان عزیز و ورزش دوست شد. برمهانی خاطرنشان کرد: همکاران شبکه سه هم در پوشش اخبار مربوط به بازی‌های آسیایی هانگزو بسیار پرتلاش بودند و اهم رقابت‌های این رویداد بزرگ را از این قاب پیشکش مخاطبان کردند.



نظر من این دو از هم جدا نیستند. یعنی پلیسی که ایستاد باشد و حرکت نداشته باشد، برای مخاطب جذابیتی ندارد. در عین حال پلیسی که دنبال درگیری و مقابله فیزیکی با متخلفان باشد هم به تنهایی جذاب نیست. بنابراین ترکیب زیرکی، شم پلیسی همراه چابکی و عملیات اکشن پلیسی است که اثر را برای مخاطب جذاب می‌کند. درباره سختی‌های کار هم باید بگویم ساخت اثری که هم اکشن داشته باشدو هم معمایی و کارآگاهی کار راحتی نیست. وی بیان می‌کند: معمولا در برخی سریال‌ها و فیلم‌های پلیسی، پلیس خانواده ندارد. اما پلیس هوش سیاه، همسر و فرزندان دختر و پسر داشت چون تصمیم گرفتیم پلیس ما خانواده داشته باشد و این خانواده را در فرهنگ‌سازی عمومی مشارکت دادیم.

فرصت خوب جشنواره فیلم پلیس

محسن شامحمدی را می‌توان جزو اولین سریال‌سازهای پلیسی در ایران بعد از انقلاب دانست که ساخت مجموعه‌های پلیسی بسیاری چون کلاتر، تصمیم نهایی، هشدارهای پلیس، گارد ساحلی و آینه عبرت را در کارنامه کاری‌اش دارد. او درباره تولید سریال‌های پلیسی و چالش‌های پیش‌روی کارگردان توضیحاتی را ارائه می‌کند: امروز که به گذشته نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم آن روزها چالش‌چندانی وجود نداشت. تمام مسائلی که با آن روبه‌رو بودیم یک سری مشکلات معمولی بود که به سرعت حل می‌شد. در آن سال‌ها خوشبختانه تلویزیون هم اشتیاق فراوانی به ساخت آثار گوناگون و متنوع داشت و نیروی انتظامی هم تازه به عرصه فیلمسازی پا گذاشته بود و همکاری تمام عیاری از خود نشان می‌داد. نمونه بارز آن راه‌اندازی جشنواره فیلم پلیس بود که بسیار حرفه‌ای و خوب برگزار می‌شد. آن موقع به نظر می‌رسید همگی تلاش دارند تا کیفیت آثار پلیسی بالا برود و در عین حال رشد چشمگیری هم داشته باشد و برای این منظور تا آنجا که مقدور بود، موانع را از میان برمی‌داشتند. در میان اهالی فیلم و رسانه هم جنب و جوش خاصی برقرار بود و همگی در تلاش بودند تا دل بیننده را با ساخت آثار خوب به دست بیاورند. در این میان اگر مشکلی هم پیش می‌آمد با کمی تعامل آن را حل می‌کردند. اگر می‌گویم آن زمان و آن دوران، برای این است که من خیلی در



گزارش تصویری

متنوع مثل سریال‌های پلیسی

تلویزیون همیشه تلاش کرده با پخش مجموعه‌های پلیسی، مخاطبان این حوزه را به سمت خود بکشد. از مجموعه‌هایی که صرفا یک قصه پلیسی داشت تا مجموعه‌های دیگری که رنگ و بوی امنیتی داشت. البته بخشی از این مجموعه‌ها هم انتهای بوده که رنگ و بوی جنایی داشت و مخاطب را به پیگیری قصه، ترغیب می‌کرد. تلویزیون در این حوزه به درستی نشان داده که می‌تواند نظر سلیقه‌ها مختلف را با قصه‌های متفاوت



کیوازدکرا اسکن کنید

نگاه

امیرحسین شریفی:

نظارت‌ها باید پیش از تولید باشد

به نظر من رود به تهیه و تولید سریال و فیلم پلیسی علاقه می‌خواهد. یعنی تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده باید نسبت به این ژانر علاقه‌مند و دغدغه‌مند باشند. البته سختی‌ها و مشکلات بسیاری بر سر راه یک اثر پلیسی هست. بعضی از دوستانی که در نیروی انتظامی هستند، بسیار با گروه سازنده همراه‌اند و شناخت کافی از این کار دارند تا بتوانند امکانات لازم برای ساخت سریال را در اختیار گروه قرار دهند اما در این میان دوستانی هم هستند که اطلاع زیادی از این ماجراها ندارند و از این نظر نمی‌توانند کمک چندانی به گروه کنند. اصولا نظارت روی چنین کارهایی ضروری است. به هر حال نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده تسلط کافی روی قوانین نیروی انتظامی ندارند بنابراین نظارت‌ها می‌تواند مؤثر و در جهت بهبود کار باشد اما من معتقدم نظارت باید روی متن باشد تا نویسنده از همان ابتدای کار بداند که چه تغییراتی قرار است روی فیلمنامه اعمال شود.



مثلا در سریال «زاویه‌هفتم» سکاسنی وجود داشت که حمیدرضا پگاه در حال ماموریت بود که پلیس راهنمایی و رانندگی به خاطر سرعت بالا به او فرمان ایست می‌داد. اما وقتی پگاه خودش را معرفی می‌کرد، مامور به او ادای احترام کرده و او به ماموریتش ادامه می‌داد. این سکاسن گرفته شده‌ما به من گفتند که حمیدرضا پگاه با وجود این‌که در ماموریت بود، باید اعمال قانون شود. بنابراین ما ناچار شدیم این سکاسن را دوباره بگیریم. البته پلیس در این سریال با ما خیلی همراه شد. چون می‌دانست من اطلاعات بسیاری در این زمینه دارم. می‌توانم بگویم در تمام این سال‌ها من فیلم و سریالی نساختم که تا الان درگیر ممیزی و سانسور شده باشد. در بحث تولید هم امکانات و شرایطی که برای ساخت چنین کارهایی لازم است، گروه را درگیر مشکلاتی می‌کند. یعنی هزینه‌بر است و از طرفی به کار لطمه وارد می‌کند. از طرفی مسائلی هم در قصه و فیلمنامه وجود دارد. در گذشته این طور بود که قصه را می‌خواندند و نظرات و پیشنهادات‌شان را بیان می‌کردند تا نویسنده روی کار اعمال کند. اما یکی از مسائلی که در این میان وجود دارد این است که ناظر هم حین اجرا سلیقه‌ای برخورد کرده و او نیز تغییراتی روی کار ایجاد می‌کند. در صورتی‌که باید همه تغییرات پیش از اجرا در زمان نگارش فیلمنامه اتفاق بیفتد تا در زمان تولید گروه با مشکلی مواجه نشود. چون این نظرات به تولید لطمه وارد کرده و هزینه‌ها را بالا می‌برد. پلیس و نیروی انتظامی باید طوری با تهیه‌کننده‌ها، کارگردان‌ها و نویسنده‌ها تعامل و همکاری کند که نظراتش هزینه‌بر نشود و روی کار تاثیر منفی نگذارد.

به نظر من پرونده‌های واقعی خیلی می‌تواند برای مخاطب جذاب باشد. من برای چند کاری که تهیه کردم، پرونده‌های بسیاری را از نظر گذراندم و خوشم آمد؛ اما گفتند بعضی چیزها را نمی‌توان نشان داد. خوب، وقتی یک گروه براساس مستندات اثری را می‌سازد، باید همه چیز طبق واقعیت باشد. به هر حال هر انسانی جایزالخطاست و پلیس هم می‌تواند خطا کند و فیلمساز باید این خطا را نشان دهد تا پلیس باورپذیر باشد. اتفاقا در جلسه‌ای که با هنرمندان خدمت حضرت آقا رفتم، این موضوع مطرح و گفته شد که ما نمی‌توانیم بعضی پرونده‌ها را تبدیل به سریال کنیم. اتفاقا آقا هم فرمودند دست ما را برای کار باز بگذارند اما بازم همچنان چنین مشکلاتی مطرح است. من در یک سال هفت تله فیلم برای هفته پلیس ساختم که در فستیوالی در مسکو جایزه بهترین تهیه‌کنندگی را گرفتم اما جالب است که نیروی انتظامی از ما تقدیر نکرد. این مسائل باعث دلسردی و کم شدن انگیزه برای ادامه کار می‌شود. نکاتی که بیان کردم، مشکلاتی است که باید رفع شود. من معتقدم سریال‌هایی که اکشن بیشتری دارد، در تولید هم سخت‌تر است. چون فضایی دارد که باید بازسازی شود. مثلا ترانندازی، درگیری، چپ‌کردن ماشین و تعقیب و گریز جزو نکاتی است که باید در چنین سریال‌هایی باشد و من هم در تله‌فیلم‌های پلیسی که ساختم، لحاظ کردم. زنده یاد ارشاقدسی در این زمینه همکاری‌هایی با ما داشت و به صورت حرفه‌ای چنین سکاسن‌هایی را درآورد. البته به عقیده من در سریال‌های معمایی پلیس باید همکاری و تعامل بیشتری با گروه سازنده داشته باشد تا شاهد خروجی خوبی هم باشیم.



قصه پلیسی به شیوه دایره تردید

از دیگر مجموعه‌های پلیسی که تاکنون روی آنتن تلویزیون رفته، می‌توان به دایره تردید به کارگردانی امیر قوبدل اشاره کرد. این مجموعه به نویسندگی فرهاد توحیدی و خشایار لوند، قصه

متفاوتی داشت. در هر قسمت از سریال دایره تردید یک ماجرای پلیسی روایت می‌شد. داستان‌های سریال دایره تردید عموما به ماجراهای جنایی مربوط می‌شد و در هر قسمت یک اتفاق رخ می‌داد که آن ماجرا توسط کارآگاه پلیس و دستیارانش کشف رمز شده و متهمان دستگیر می‌شدند. بخش مهمی از سریال‌های پرتعدادر پلیسی که در تلویزیون کشورهای مختلف روی آنتن می‌رود، به واسطه ادامه داشتن، مخاطبان بسیاری را درگیر خود می‌کند. دایره تردید هم از جمله همین مجموعه‌ها بود که توانست با ادامه داشتن، طرفداران مجموعه‌های پلیسی را به سمت خود بکشد. از جمله بازیگران این مجموعه می‌توان به فرامرز صدیقی، علی اوسیدو، رضا رضوی، بهژاد خداویسی، مرحوم داود رشیدی و محمد فیلی اشاره کرد.

خاطره

مزد ترس و سروان محمدی

از دیگر مجموعه‌های تلویزیونی در ژانر پلیسی که سال‌ها قبل روی آنتن تلویزیون رفته بود، مزد ترس بود. این مجموعه به کارگردانی حمید تمجیدی در سال ۱۳۷۱ از شبکه دو روی آنتن رفته بود. بعدها در سال ۱۳۷۴، قسمت دوم این مجموعه تلویزیونی تحت عنوان «بازی با مرگ» نیز ساخته و پخش شد. در خلاصه قصه این مجموعه پلیسی قدیمی آمده است: سروان «ناصر محمدی» (با بازی عبدالرضا اکبری) یکی از کارآگاهان اداره آگاهی است که با همسرش و دخترشان زندگی می‌کند. او طی ماموریتی، مسئول پیگیری قتل یک نوازنده ارکستر سمفونیک می‌شود که جسد سوخته‌اش را در محل تره زبانه پیدا کرده‌اند. وی در طول بررسی‌های خود، به محل ارکستر سمفونیک هم سر می‌زند و در آنجا با برادر مقتول آشنا می‌شود. یک شب، کارآگاه محمدی هنگام تماشای یک برنامه تلویزیونی، صاحب‌ای با یک محکوم به اعدام را می‌بیند و نکاتی نظرش را جلب می‌کند. او با تهیه‌کننده آن برنامه تلویزیونی تماس می‌گیرد و سرانجام به سرنخ‌های جدیدی می‌رسد. از جمله بازیگرانی که در این مجموعه نقش آفرینی کرده بودند، می‌توان به عبدالرضا اکبری، اسماعیل محرابی، احمد فخر، علی دهکردی، حمیده خیرآبادی، محبوبه بیات و... اشاره کرد.

